

کیفر سقط جنین در قانون مجازات اسلامی و تعارض آن  
با ماده 91 قانون تعزیرات

قانون مجازات اسلامی که در جلسه مورخ 1370/9/7  
مجمع تشخیص مصلحت نظام با تصویب ماده 5 آن ،  
بدانگونه که قبلاً در مجلس شورای اسلامی تصویب شده  
بود به تصویب نهایی رسید نیز به پیروی از احکام  
فقه اسلامی سقط جنین را تعریف نکرده است بلکه در  
کتاب چهارم در باب دیات مواد 487 الی 493 را  
اختصاص به دیه مقرر برای سقط جنین داده است و این  
همان موادی است که قبلاً قانون گذار در قانون دیات  
مصوب بیست و چهارم آذر ماه 1361 در مواد 194 الی  
200 بعنوان دیه سقط جنین آنرا تصویب و دادگاهها  
آنرا اجرا و اعمال می نمودند که لازم است قبل از  
ورود به بحث این مقاله ابتدا با توجه به حقوق  
اسلامی و نیز حقوق تطبیقی تعریف این جرم وارکان  
تشکیل دهنده آن مورد بررسی قرار گیرد تا با  
شناخت کامل از جرم بودن عمل بتوان اعمال مجازات  
مقرر قانونی در آنرا مورد توجه قرار داد .

از نظر تعریف اصطلاحی سقط جنین عبارت است از  
اقدام به خروج غیر طبیعی حمل قبل از موعد طبیعی  
وضع حمل ، بوسیله مادر یا غیر او بنحویکه حمل  
خارج شده از بطن مادر زنده نبوده یا فاقد قابلیت  
زیست باشد بنابراین برای تحقق سقط جنین بعنوان  
یک عمل مجرمانه باید ارکان زیر موجود باشد.

1- زن حامله باشد : یعنی نطفه کودک در بدن او  
منعقد شده باشد چه بنظر بیشتر فقها و حقوق دانان  
از زمان استقرار نطفه در رحم زن و رشد و نمو آن

و پس از تبدیل به علقه، مضعفه و تا زمان تبدیل به حمل بصورت انسانی و تشخیص پسر یا دختر بودن و بالاخره پس از حلول روح تا قبل از زمان وضع حمل طبیعی هرگونه اقدام به اخراج مصنوعی حمل در تمام مراحل مذکور را سقط جنین تلقی نموده اند .

2- اخراج جنین از بطن مادر بنحویکه غیر طبیعی باشد : بعبارت دیگر وضع حمل یا زایمان که خروج طبیعی حمل از بطن مادر است واقع نشود بلکه اقدام مصنوعی به خروج از بطن مادر ملحوظ نظر فقها و حقوقدانان بوده است بقول حقوقدان فرانسوی گارسون « سقط حمل عبارت است از منقطع ساختن دوران طبیعی بارداری » که ادامه طبیعی این دوران منجر به وضع حمل طبیعی خواهد شد .

3- وجود عنصر معنوی سوء نیت در اقدام به سقط حمل که از عمومات شرعی و قانونی استنباط می گردد چه اگر هدف از سقط جنین وسیله پزشک نجات جان مادر بیمار بوده و یا در مواردی که وضع حمل مصنوعی قبل از موعد برای مادر و کودک ضروری باشد و در مواردی که طفل قبل از موعد زنده از بطن مادر اخراج و پس از چندی به دلایل دیگری فوت می کند عمل، مصداق سقط جنین نداشته و بلحاظ فقدان سوء نیت ارتکاب عمل مجرمانه تلقی نمی گردد تا شامل مجازات باشد .

پس از این مقدمه باید بگوییم اولاً طبق ماده 294 قانون مجازات اسلامی دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیاء دم او داده می شود و علاوه بر جنایات غیر

عمدي و خطئي در مواردی از جنایات عمدي که قصاص در آنها جایز نیست نیز اعمال می گردد یعنی حقیقتاً دیه مجازات ارتکاب جرم از نظر مقررات فقه و موازین کیفر اسلامی می باشد و در موارد 487 الي 493 دیه موارد مختلف سقط جنین از سقط نطفه ای که در رحم مادر مستقر شده است تا جنین کامل که در آن روح دمیده شده است مشخص گردیده است بدیهی است در مواد فوق الذکر مشخص نگردیده است که این سقط بوسیله چه کسی باید بعمل آید و با توجه به اصول کلی باید گفت عامل سقط چه مادر باشد یا غیر او مجازات یکسان دارند ( از نظر پرداخت دیه ) توضیحاً با صراحت صدر ماده 42 قانون مجازات اسلامی که معاونت و مشارکت را از لحاظ تفاوت نوع مجازات فقط در جرائم قابل مجازات تعزیری یا مجازاتهای بازدارنده بر شمرده است باید بگوییم در دیات که در ماده 12 قانون مجازات اسلامی در فصل تعیین انواع مجازاتها و تقسیم آنها به پنج دسته مشخص و مجزا گردیده است و با صراحت مواد 487 الي 439 اصولاً بحث معاونت و یا تفاوت مجازات بین فاعل مستقل و شریک یا معاون مورد بحث واقع نمی گردد بدیهی است از باب تسبیب ممکن است نسبت دیه مقرر تفاوت پیدا نماید ولی نوع مجازات اسلامی یکسان است لیکن مواد 90 و 91 ، قانون تعزیرات مصوب 18 مرداد 1362 مجلس شورای اسلامی حالات دیگری را نیز به این شرح پیش بینی نموده است :

« ماده 90 - هرکس زن حامله را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری که موجب سقط حمل می گردد

بنماید به سه الی شش ماه حبس محکوم خواهد شد .»  
که مقصود از هرکس اعم است از پزشک و غیر پزشک و  
« ماده 91 - اگر زن حامله برای سقط جنین به طبیب  
یا قابله مراجعه کند و طبیب هم عالماً ، عامداً  
مباشرت به اسقاط جنین بنماید دیه جنین بعهدہ  
اوست و اگر روح در جنین دمیده شده باشد باید  
قصاص شود و اگر او را به وسایل اسقاط جنین  
راهنمایی کند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم  
خواهد شد .»

با مطالعه ماده 91 قانون تعزیرات مشخص می شود که  
مقنن موارد خاصی را در این ماده پیش بینی نموده  
است که حد زیادی معارض با قانون مجازات اسلامی در  
باب دیه سقط جنین است که عبارتند از :

1- مجازات مادری که سقط جنین می نماید با توجه  
به سکوت این ماده و با توجه به ماده 489 قانون  
مجازات اسلامی پرداخت دیه است .

2- مجازات سقط جنین وسیله طبیب یا قابله ( کسی  
که تخصص در این امر دارد ) :

الف- اگر روح در جنین دمیده نشده باشد مجازات  
طبیب یا قابله دیه است .

ب- اگر روح در جنین دمیده شده باشد و پزشک یا  
قابله اقدام به سقط جنین نماید مجازات او قصاص  
است .

V- و اگر طبیب یا قابله مادر را به وسایل اسقاط  
جنین راهنمایی کند اعم از اینکه روح در جنین دمیده  
شده باشد یا خیر مجازات طبیب یا قابله شش ماه تا سه  
سال حبس است و با توجه به ماده 90 قانون تعزیرات

اگر غیر طبیب یا قابله همین راهنمایی را به زن حامل بنماید مجازات او سه الی شش ماه حبس تعزیری خواهد بود . ( بدیهی است همانطور که فوقاً گفته شد کلمه هرکس می تواند اعم از پزشک یا غیر پزشک را شامل گردد ) . ملاحظه می فرمایند این دو ماده با عمومات مواد فوق الذکر در باب دیات و با توجه به نظر فقهای عظام نیز مغایرت و تعارض پیدا مینماید زیرا در فقه که میزان دیه سقط جنین از بیست دینار برای نطفه ای که در رحم مستقر شده است آغاز و تا دیه کامله پسر و نصف دیه کامله برای دختر پس از پیدایش روح در حمل پیدا می شود و حضرت امام خمینی قدس سره الشریف نیز در تحریرالوسیله جلد دوم صفحه 597 با این عبارت، الجنین اذا ولج فيه الروح ففيه الدية الكاملة و در صفحه 598 با ذکر ، لا كفارة علي الجناني في الجنين قبل ولوج الروح نیز همان قاعده را مورد تأکید قرار داده اند و حال آنکه برقراری مجازات دیگری غیر از دیه با صراحت عدم وجود كفارة قبل از پیدایش روح ( که در قانون سابق دیات نیز در ماده 200 مؤکداً ذکر شده بود که قبل از پیدایش روح سقط جنین كفارة ندارد و همچنین كفارة ودیه کامل او بعد از احراز حیات او خواهد بود ) بخصوص اعمال قصاص مذکور در ماده 91 قانون تعزیرات تا حد زیادی موجب اشکال و محل بحث خواهد بود زیرا با صراحت مواد قانون مجازات اسلامی در باب قصاص نفس و عضو و حتی تساوی اعضاء در قصاص عضو و همچنین تأکید بند ج ماده 295 قانون بر اینکه در مواردی از جنایات عمدی که قصاص در آنها جایز نیست باید دیه پرداخت گردد این تعارض و تهافت بیشتر آشکار گردیده و علی الاصول این سؤال مطرح میگردد که قصاص چگونه باید اجرا شود؟ آیا پزشک و قابله خود در

مقابل سقط جنين که روح در آن دمیده شده است قصاص می شوند یا با تساوی در قصاص باید قصاص بصورت سقط جنين باشد؟! و آیا با تفاوت پسر یا دختر بودن جنين و تفاوت جنسیت، پزشك و قابله به چه صورتی باید قصاص، اعمال گردد؟ مگر این که بگوییم ذکر این ماده در قانون تعزیرات و بخصوص ذکر کلمه « قصاص » در قانون تعزیرات که علی الاصول جای آن در قانون حدود و قصاص بوده است ناشی از تساهل و عدم عنایت قانون گذار بوده است که به هر حال در اصلاح و تغییرات بعدی این قانون باید مورد توجه قرار گیرد و امید که این مقاله فتح بابی باشد برای بیان نظریات و ارشاد اساتید معظم در خصوص تعارض این مواد و ارائه طریق برای اصلاحیه قانون تعزیرات که در حال حاضر در دست مطالعه و اصلاح می باشد.